

## طراحی فضای کنش اجتماعی کودکان در محوطه باز مجتمع های مسکونی با رویکرد خلاقیت و تعاملات اجتماعی

محمد جواد صادق صابری<sup>۱</sup>، راضیه قدرجانی<sup>۲\*</sup>، مهرداد حاجیان زیدی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>کارشناس ارشد مهندسی معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

<sup>۲</sup>مدرس گروه معماری\_شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران، Email: razieh.ghadarjani@gmail.com

<sup>۳</sup>مدرس گروه معماری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران

### چکیده

این پژوهش با توجه به واقعیت اجتماعی کودکان سعی دارد با نگاه ویژه به فضای باز مجتمع های مسکونی و بررسی مطالعاتی آن به اهداف مختلف اجتماعی، معماری و روانشناسی دست یابد. چرا که ایجاد چنین فضایی با قابلیت نزدیکی به محل زندگی، از سنین اولیه رشد آموزش را در حوزه های مختلف ایجاد می کند. فضای باز مجتمع های مسکونی مفهوم جدیدی است که ماحصل زندگی جمعی و مجتمع نشینی امروزی است که جایگزین حیات های خصوصی شده است. گرچه از لحاظ ماهوی و شکلی تفاوت های بسیاری برای این دو وجود دارد، اما از نظر عملکردی انتظار می رود کارکردی مشابه و کاملتر داشته باشد. این پژوهش از نوع توصیفی- تحلیلی می باشد و با توجه به ابزار پرسشنامه با روش همبستگی، رابطه میان متغیرهای ارتقاء خلاقیت و تعاملات اجتماعی کودکان را در فضای باز مجتمع های مسکونی، بررسی شده است و نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که کیفیت کالبدی و فضایی محیط، تحریک کنندگی عناصر طبیعی محیط، مشارکت کودکان، آسایش و امنیت و خیال پردازی از جمله مولفه های موثر در رشد خلاقیت و تعاملات اجتماعی کودکان هستند که هر کدام نیز نسبت به هم در رتبه و اولییتی قرار دارند که می تواند کمک اندکی به معماران باشد در جهت شناخت بهتر خصوصیات کالبدی فضاهای باز مجتمع های مسکونی برای کودکان با توجه به نیازهای واقعی آنان.

**واژگان کلیدی:** فضاهای باز، مجتمع مسکونی، فضای بازی کودکان، خلاقیت، تعاملات اجتماعی

### ۱- مقدمه

آغاز پرورش بسیاری از توانایی های انسان در دوران کودکی است؛ آغاز پرورش قدرت تخیل و خلاقیت نیز در دوره کودکی شکل می گیرد. از نظر فروید، منبع خلاقیت را باید در تجربیات دوره کودکی فرد یافت (شریعتمداری، ۱۳۹۳: ۴۱۰). از این رو لازم است تا در مراحل آغازین رشد کودک، پرورش خلاقیت او مورد توجه قرار گیرد. پژوهشگران در سال های اخیر از میان عوامل متعدد تاثیر گذار در رشد خلاقیت کودک، تحقیقات بسیاری شیوه های آموزشی، جنبه های عاطفی-شناختی کودکان و نیز مسایل تربیتی را مورد بررسی قرار داده اند، اما تاثیر کیفیت فضای معماری در پرورش خلاقیت کمتر مورد توجه قرار گرفته است. طراحی فضاهای ویژه کودکان مانند مهد کودک ها از آن جهت اهمیت دارد که "در سنین ۴ تا ۷ سالگی تخیل کودک جنبه عملی پیدا می کند" (ریاحی، ۱۳۷۰: ۵۴)؛ در طول این سال ها، کودک از محیط تاثیر بیشتری می گیرد. حال آنکه فضاهای مذکور در ایران، مناسب کودکان طراحی نشده است. بیشتر مهد کودک ها در فضاهای مسکونی و حتی آپارتمان ها قرار دارند که

با نقاشی و رنگ آمیزی، ظاهراً به محیطی کودکانه تبدیل شده‌اند. هدف از پژوهش حاضر، تدبیر ایده‌های طراحی مبتنی بر تنوع در فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی ایرانی با رویکرد ارتقاء خلاقیت کودکان است تا بابه کارگیری ایده‌های حاصل در طراحی فضاهای مخصوص کودکان، انگیزش کودک برای بازی ارتقاء یابد، قدرت تخیل و کنجکاوی او افزایش یابد و خلاقیت او پرورش پیدا کند. ادبیات تحقیق نشان می‌دهد کنجکاوی، بازی و خیال پردازی کودکان در ارتقای خلاقیت آنان موثر است. بر اساس پژوهش‌ها، خلاقیت کودکان به قدرت خیال پردازی آنان بستگی دارد و بهترین زمان پیشرفت برای خلاقیت و تخیل در سنین ۲ تا ۱۰ سالگی است (Ferry, 2003). تحقیق در ارتباط میان بازی و شوخی و انگیزش خلاقیت در کودکان پیش دبستانی نشان می‌دهد انگیزش خلاقیت در آنها با میزان بازی آنان رابطه مستقیم دارد، زیرا تحرک در سن پیش از دبستان، اولین راه فعالیت، بیان، یادگیری و پیشرفت است (Balke, 1997). و (Trevlas, Matsouka, Zachopoulou, 2003). بازی چندین عملکرد دارد و علاوه بر تقویت مهارت‌های کودک، به خیال پردازی او کمک می‌کند. علاوه بر آن بازی امکان مشارکت در فعالیت‌های گروهی را نیز فراهم می‌آورد. محققان تأثیر کارگروهی را بر رشد فرایند خلاقیت بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که خلاقیت افراد در همکاری با یکدیگر به دلیل تأثیر متقابل ایده‌ها برهم، شکوفا می‌شود. این پژوهش بدنبال پاسخ به سوال اصلی زیر تدوین شده است: نقش طراحی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی در رفتار کودکان و رشد و خلاقیت آنها چیست؟ و چه شاخص‌ها و مولفه‌هایی در حیطه طراحی فضاهای باز مسکونی در راستای ارتقاء خلاقیت و تعاملات اجتماعی کودکان موثر هستند؟ و هر کدام متغیرها نسبت به هم در چه رتبه و اولییتی هستند؟

## ۲- بیان مساله

کودکان از اهمیت ویژه‌ای در میان گروه‌های انسانی برخوردارند و بزرگترین ثروت هر کشور محسوب می‌شوند، تردیدی وجود ندارد که سرمایه‌گذاری در راه رفاه، تعلیم و تربیت آنان از سرمایه‌گذاری در هر رشته دیگر سودمندتر است. قرن حاضر قرن کودک شناخته شده است و در مقایسه با زمان‌های گذشته در واقع همچون دوران طلایی برای کودک است. همانطور که می‌دانیم زندگی کودکان امروزی با محدودیت‌های زیادی روبروست. طی نیمه دوم قرن بیستم، تغییری اساسی در تبدیل جمعیت روستا نشین به شهرنشین رخ داده، به گونه‌ای که امروزه اکثر کودکان در فضای انسان ساخت شهرها متولد شده و بزرگ می‌شوند و از طرفی محدودیت‌های موجود در شهرهای بزرگ، منجر به گسترش ساخت مجتمع‌های مسکونی و کاهش سهم حیاط خصوصی در معماری معاصر گردیده است. این گونه به نظر می‌رسد که عرصه تحرک و خودنمایی کودکان به ویژه در کلان شهرهای امروزی، روز به روز کوچکتر و محدودتر می‌شود. بزرگسالان آگاهانه یا ناآگاهانه در بسیاری موارد، فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی را برای برآوردن نیازهای روزمره خود ساخته و آماده کرده‌اند و کودکان، این شهروندان کوچک جایگاه مناسبی در آن ندارند. در شهرهای سنتی و با هویت قدیم ایران، کودکان به راحتی می‌توانستند جایگاه، فضا و قلمرو ویژه و مورد نیاز خود را بیابند و از امنیت و امکاناتی بیشتر از امروز برای تنفس، تحرک، غلیان، آموختن، تجربه و بالندگی مطابق با نیازهای زمان خود برخوردار بودند. هرچند فضای ویژه‌ای برای کودکان در نظر گرفته نشده بود، ولی به جهت نزدیکی و سازگارتر بودن سبک‌های معماری و شهرسازی با اقلیم، طبیعت، فرهنگ و شرایط کلی جوامع سنتی، کودکان به راحتی می‌توانستند جایگاه، فضا و قلمرو ویژه و مورد نیاز خود را بیابند (بهروز فر، ۱۳۸۰). از طرفی دیگر پیشرفت علم و ارتباطات و تأثیر آن بر همه جنبه‌های زندگی، تغییراتی در تمایلات و نیازهای کودکان ایجاد نموده و سبب شده بازی‌های رایانه‌ای و بازی‌هایی از این دست جایگزین درک مستقیم کودکان از فضا و کسب تجربه‌های طبیعی و اجتماعی آنان و بروز اختلال در پروسه طبیعی رشد کودکان گردد. متأسفانه در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که محیط‌های خاص کودکان بدون توجه به نیازهای واقعی آنان طراحی می‌گردد. بنابراین برای تحقق شکوفایی و توانایی‌های خلاقه کودکان، بایستی در ایجاد سازگاری میان فضاها با نیازهای آنان توجه گردد. فضاهای باز مسکونی، علاوه بر تأمین نور و روشنایی فضاهای داخلی و تهویه طبیعی، به عنوان فرصتی برای ارتباط بیشتر با طبیعت و مکانی برای تعاملات اجتماعی مطرح است. با توجه به محدودیت‌های فضای داخلی واحد‌های مسکونی و سابقه‌ی سنتی حضور حیاط در زندگی ایرانی، فضای باز مجالی برای گسترش عملکرد فضای داخلی و رابطه آن با فضای بیرونی است (شفایی و مدنی، ۱۳۸۹). در گذشته حیاط اولین و در دسترس‌ترین فضای برای ارتباط تنگاتنگ با طبیعت و فضای باز بود. در شرایط کنونی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی ساخته شده در شهرهای بزرگی چون تهران، قابلیت پاسخگویی به بسیاری از نیازمندیهای زندگی را ندارند. فضای باز ضمن فراهم آوردن موقعیت‌هایی برای رشد خلاقیت، زمینه معاشرت، تعامل و تقابل اجتماعی و کاربرد‌هایی همچون ایجاد ارتباط آرامش و تفریح در کاهش آلودگی و بهبود محیط زندگی بسیار مؤثرند.

نسل جامعه فعلی نسلی ایستا و نسلی است که تمایل دارد در برخورد با موقعیت های جدید بر مبنای آنچه که در گذشته انجام داده عمل نماید و با صرف نظر از افکار جدید ذهن خود را معطوف به قضاوت افکار می کنند. بنابراین با توجه به مسائل ذکر شده در بالا شاید این مساله اهمیت پیدا کند که به کیفیت فضایی و کالبدی فضای باز مجتمع های مسکونی در جامعه امروزی به عنوان محیطی برای فرآیندهای آموزشی کودکان کمتر توجه شده است، اگر تأثیر محیط ساخته شده بر رفتارهای خود آگاهانه را بپذیریم، اهمیت توجه به اینگونه فضاها مشخص می شود.

### ۳- ضرورت تحقیق

این پژوهش اهمیت خود را در مرحله نخست از اهمیت توجه به دوران کودکی به عنوان یکی از موثرترین دوران زندگی وام می گیرد. نیاز بشر به ایجاد ارتباطات جمعی امری مسلم است. در کشور هایی چون ایران که با الگوی وارداتی غربی ساخت مجموعه های مسکونی را آغاز و دنبال کرده اند، فضای باز مجموعه های مسکونی برای ساکن آنطور که باید هماهنگ با نیاز های مختلف انواع سنین به خصوص کودکان باشد نیست (نوذری، ۱۳۸۳). با توجه به کاهش سطح سرانه ی زیر بنای مسکونی، چنانچه فضای باز مسکونی پاسخگوی نیازها و خواسته های فردی و اجتماعی ساکنان در سنین مختلف به خصوص کودکان باشد، می تواند بخش زیادی از فعالیت های آنها را از فضای داخلی به فضاهای باز مجموعه ها منتقل و کمبودهای زندگی در واحدهای مسکونی با مساحت کم را تا حدودی جبران کرد. بنابراین نیاز به بازنگری و توجه ویژه به طراحی فضاهای باز مجتمع های مسکونی به عنوان حیاط مشترک و جمعی در بسیاری از گونه های مسکن امروزی ضروری است. محور فعالیت های کودکان بازی است و شهرهای ما به عنوان بستری برای فعالیت و آموزش کودکان، فاقد چنین مکان هایی با توجه ویژه به نیاز کودکان هستند. از این رو ما در صدد تمهید فضایی با محوریت بازی و آموزش غیر رسمی در فضاهای باز مجتمع های مسکونی هستیم و از آنجا که در حال حاضر بیشتر فضاها به گونه ای طراحی می شوند که پاسخگوی چند کارکرد موازی هستند، ما در پی یافتن فضایی غیر رسمی هستیم که کودکان در حین بازی به آموزش بپردازند و استعداد های بالقوه و خلاقیت آنان شکوفا گردد. مهمترین دلیل برای انتخاب فضاهای باز مجتمع های مسکونی این است که کودکان اولین آموزش ها را در جمع خانواده و محیط های اجتماعی نزدیک به خانواده می بینند. فضاهای باز مجتمع های مسکونی یکی از مهمترین فضاهای جمعی نزدیک به خانواده است. این فضا بخش عمده ای از زمان و محیط زندگی کودکان را به خود اختصاص می دهد و از دیدگاه مهندسی عوامل انسانی، ارتقای کیفیت این فضا می تواند در سلامت و رشد قوای جسمی، تقویت تعاملات اجتماعی و همبستگی گروهی و حتی آموزش و رشد خلاقیت کودکان موثر می باشد.

### ۴- فرضیه اصلی پژوهش

فرضیه اصلی پژوهش بدنبال این است که با توجه به نیاز کودکان به بازی و تعاملات اجتماعی، طراحی فضاهای باز مجتمع های مسکونی جهت شکوفایی و رشد خلاقیت آنها تاثیرگذار است. این فرضیه بر آن است که وجود همبستگی بین کیفیت و طراحی مناسب فضاهای باز مجتمع های مسکونی را با متغیر ها و شاخص های ارتقاء خلاقیت و تعاملات اجتماعی کودکان بسنجد. تا در ارتقاء خلاقیت و رشد استعدادهای نهفته کودکان با آگاهی بیشتر گامی برداشته شود.

بین طراحی مناسب فضاهای باز مجتمع های مسکونی و شاخص های ارتقاء خلاقیت کودکان و تعاملات اجتماعی کودکان (آسایش و امنیت، تحریک کنندگی عناصر طبیعی محیط، خیال پردازی، کیفیت کالبدی و فضایی محیط، مشارکت کودکان و تناسب) رابطه معناداری وجود دارد.

### ۵- مبانی نظری پژوهش

#### ۵-۱- مجتمع های مسکونی

مجتمع های مسکونی را می توان شامل تعدادی بلوک ساختمانی در نظر گرفت که می تواند شامل گونه های مختلف مسکن (تک خانواری، آپارتمان های کوتاه و بلند مرتبه) باشد. در این مجتمع ها، بلوک های آپارتمانی در یک قطعه زمین براساس طرحی از پیش اندیشیده شده قرار می گیرند. بلوک ها می توانند در اشکال مختلفی با یکدیگر ترکیب شوند و فضای باز در ارتباطی معنی دار با ساختمان ها قرار گیرند. از

خصوصیات دیگر مجتمع‌های مسکونی می‌توان به حریم و محدوده مشخص و تفکیک شده آنها از بافت پیرامون شهری اشاره کرد که در برخی موارد می‌تواند آنها را به صورت جزیره‌ای کالبدی - اجتماعی در شهر مشخص گرداند (عینی فر و قاضی زاده، ۱۳۸۹).

## ۵-۲- خلاقیت

به نظر «فروید»، تفکر خلاق شکل عالی تخیلات آزاد و بازیهای دوره کودکی است. به عقیده او سرچشمه خلاقیت را باید در جریبات دوره کودکی جستجو کرد. زیرا چگونگی تجارب دوران خردسالی در ظهور اندیشه‌های نو فوق‌العاده موثر است. از طرفی تجارب خلاق و تخیلی به ما فرصت می‌دهد تا به رشد استعدادهای خود برای تفکر، عمل و تبادل نظر پرداخته و بتوانیم به گسترش مهارت‌های جسمی و ذهنی خود، پرورش احساسات، حواس پنجگانه، کشف ارزشها و درک فرهنگ خود و دیگران بپردازیم (Furnham & Bachtiar, 2008).

والاس برای خلاقیت چهار مرحله مطرح می‌کند که عبارتند از:

الف) آماده سازی: در این مرحله همه جوانب مسأله مورد توجه قرار می‌گیرند، مسأله مزبور شناسایی و حقایق مربوط درباره آن جمع آوری می‌شوند.

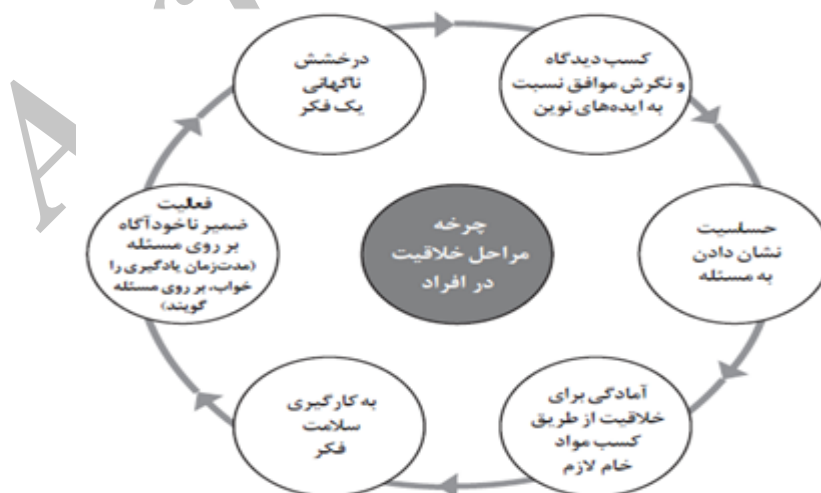
ب) دوره نهفتگی: در این مرحله نوعی فرایند ذهنی درونی وجود دارد که اطلاعات تازه را با اطلاعات گذشته مرتبط می‌سازد. نوعی سازماندهی مجدد اطلاعات، انجام می‌پذیرد بدون آنکه فرد مستقیماً از آن آگاه باشد.

ج) در این مرحله ایده‌های فرخنده ظاهر می‌شود؛ ایده‌های که آن را دیده آهان نیز نامیده اند. در این زمان، فرد خلاق ایده‌ها یا راه حل مسأله را به طور ناگهانی درمی‌یابد.

د) ثبات: در این مرحله ایده‌ای که در مراحل قبل رخ نموده بود، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا اعتبار یا عدم اعتبار آن معلوم شود. اگرچه معمولاً این مراحل پدیدار می‌شوند، اما این بدان معنا نیست که باید به طور تغییرناپذیری در یک توالی زمانی معینی روی دهند (شکرشکن و همکاران، ۱۳۸۱).

## ۵-۳- سیر مراحل خلاقیت در افراد

صاحب نظران علم خلاقیت، در پاسخ به این سؤال که: "انسان‌ها چگونه از خود خلاقیتی بروز می‌دهند؟" متأسفانه تاکنون تصویر جامعی از فرایند خلاقیت ارائه نداده‌اند، اما اکثر آنها درباره اینکه مراحل سیر خلاقیت به شکل مجزا و به هم پیوسته هستند، اتفاق دارند. شکل شماره ۱، مراحل سیر خلاقیت را نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۱: مراحل سیر خلاقیت به شکل مجزا و به هم پیوسته، (مهدوی نژاد، ۱۳۹۲).

### ۵-۳- عوامل مؤثر بر خلاقیت

عوامل مؤثر بر خلاقیت به دو دسته تقسیم می شوند :

عوامل فردی یا درونی

عوامل بیرونی یا محیطی

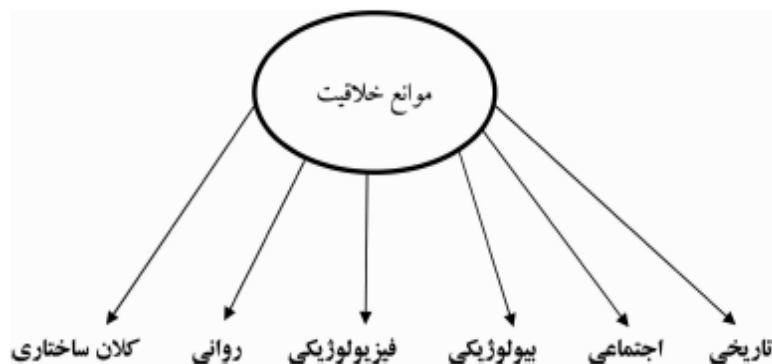
عوامل درونی آن دسته از عواملی است که از ویژگی های فردی و شخصیت سرچشمه می گیرد مانند: هوش ، ساختار شخصیتی فرد ، وراثت ، خودپندار مثبت یا منفی، توانایی های شناختی و مهارت های حرکتی .

عوامل بیرونی مربوط به موقعیت های فرد در ارتباط با دیگران و محیط است شامل: خانواده، تعلیم و تربیت، فضای فیزیکی، ساختار آموزشی و عوامل اجتماعی و اقتصادی می باشد.

ما به عنوان خالق فضا تأثیر زیادی بر فضای فیزیکی خواهیم داشت. لازم به ذکر است که فضای فیزیکی می تواند ایده برانگیزد و متنوع باشد و در رشد خلاقیت بسیار اثر گذارد(عظمتی، ۱۳۸۶).

عواملی که مانع خلاقیت می شوند "گیلفورد" در این باره ویژگیهای زیر را نام برده است که عبارتند از: سلطه‌گری، منفی‌بافی، مقاومت، ترس، عیب‌جویی، انتقاد از دیگران، سازشکاری، تسلیم در برابر قدرت کمرویی. از موانع دیگر که بر سر راه خلاقیت دانش‌آموزان قرار دارند، عبارتند از: ۱- عدم اعتماد به نفس ۲- تمایل به هم‌رنگی ۳- عکس‌العمل منفی ۴- حذف خیال‌بافی ۵- پیش‌داوریها- ترس از انحراف وسیعی در هم‌نواپی با اجتماع ۷- ارزش‌ها و هنجاری‌های فرهنگی (Zheng, 2005).

دوریس جی (۱۹۹۳) معتقد است عمده موانعی که برای بروز خلاقیت ها در انسان مطرح است به صورت زیر ذکر می شود.



نمودار شماره ۲: موانع بروز خلاقیت در انسان، (آقایی فیشانی، ۱۳۷۷).

### ۵-۴- تعریف بازی و بازی های پرورشی

هرگونه فعالیت جسمی یا ذهنی هدف داری که در اوقات فراغت در جهت کسب لذت، تمدد اعصاب، آرام بخشی جسمی یا ذهن بازیگر و اقلان نیازهای آنی یا دراز مدت فرد یا گروه چه به صورت انفرادی یا گروهی انجام گیرد بازی نامیده می شود. هر نوع ورزش یا فعالیتی که توسط کودکان به منظور تفریح و تفنن انجام گیرد، بازی نامیده می شود. مربیان ورزشی از بازی تلقی جامع تری دارند. آن‌ها معتقدند که «بازی، عبارت است از آن نوع فعالیتی که با میل و اختیار در اوقات فراغت انجام می شود». برخلاف نظریات گذشتگان که بازی را تنها وسیله‌ای برای صرف انرژی مازاد بدن می‌دانستند، کودکان به هنگام بازی بخشی از نیروی فکری و بدنی خود را به کار می‌گیرند و بازی را بخشی از زندگی عادی خویش به حساب می‌آورند، ولی نباید فراموش کرد که در این نوع فعالیت‌ها کودک به هیچ وجه خود را مجبور به انجام آن احساس نمی‌کند و از آن لذت می‌برد(پیرنه لنگرودی، ۱۳۷۴). یکی از مهمترین انواع بازی که می‌توان به آن اشاره کرد بازیهای پرورشی می‌باشد. بازیهای پرورشی در دوره ابتدایی به عنوان فرایندی منظم در نظر گرفته می‌شوند که هدف آنها هدایت رشد جسمانی و روانی و یا به طور کلی رشد همه

جانبه شخصیت کودکان در جهت کسب و درک معارف و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و همچنین شکوفایی استعدادهای آنها می باشد (ملکی، ۱۳۸۵).

جدول شماره ۱: عوامل مؤثر بر بازی کودکان

نکات اصلی نظریه ها	نظریه پردازان	نوع
کاهش بازی با هم سن و سالان ناشی از مدت زمان مصرف شده برای تماشای تلویزیون و کوچکتر شدن خانواده هاست.	Barne (1970)	تأثیر هم سن و سالان (عامل اجتماعی در بازی گروهی)
رشد شناخت کودک بسته به تجربیات کودک در قبال قرارگیری در کنار سایر کودکان است.	Piaget (1972)	
کودک در کنار هم سن و سالان بسیاری از قوانین پایه ای رفتار اجتماعی را می آموزد.	Newson & Newson(1970)	
مخالف تأثیر مستقیم والدین بر بازی های تخیلی است، اما عوامل تربیتی کودکان می تواند مؤثر بر نظم رفتاری تقلیدی می باشد.	Fein (1981)	تأثیر والدین
عصبانیت والدین منجر به تخریب و قطع بازی کودکان می گردد.	Erikson(1940) Harbey Frauk (1952) Gordson Vanderkooij (1983)	
به عنوان یک اثر غیر مستقیم والدین، تماشای تلویزیون بیشتر منجر به کاهش بازی تخیلی است.	Alderia etal (1978) Singer& Singer (1978)	
تنبیه بدنی کودکان و اختلاف زناشویی، منجر به کاهش تصور و تخیل در بازی است.	Marshal & Poshi (1965) Hetheringto etal (1979)	
بازی های نمادین (نمایش) لازمه ورود کودک به بازی های با قاعده است.	Piaget (1972)	

۵-۵- فضای باز و مجتمع های زیستی

فارغ از محل قرارگیری بنا، عملکرد فضای باز علاوه بر مسائل محیطی همچون دسترسی به نور خورشید و تهویه ی طبیعی واجد کیفیات فرهنگی و اجتماعی نیز هست. "فضای باز باعث تقویت و برقراری روابط اجتماعی در مقیاس همسایگی و محله ای واز لحاظ کالبدی موجب تامین پیوستگی بافت های مسکونی محله" (نوذری، ۱۳۸۳: ۴۵) است. این فضا مکملی برای فضای سبز است و به عنوان تعدیل تراکم ساختمانی و انسانی از اهمیت محسوسی برخوردار است. "فضاهای باز ضمن فراهم آوردن موقعیت هایی برای رشد خلاقیت، زمینه معاشرت، تعامل و تقابل اجتماعی و کاربردهایی همچون ایجاد ارتباط، آرامش و تفریح دارند و در کاهش آلودگی و بهبود محیط زندگی بسیار موثرند" (نوذری، ۱۳۸۳: ۴۹). فضاهای باز مسکونی به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی هستند.

فضای باز شامل دو بخش عینی و ذهنی است. مسیرها و فضاها عمومی و ارتباط بین آنها و گروهها، بوستان ها و فضای سبز محله ای، پل ها و فضا های رابط بین پیاده و سواره و غیره ساختمان هایی که بدنه فضای باز را محصور می کنند تصویری کالبدی و عینی است که مخاطبان قدرت نسبتا یکسانی برای فهم آن دارند و نقش اساسی در کیفیت فضا ایجاد می کنند. از این رو شولتز (۱۹۶۶) معتقد است برای تحلیل جامع از ساختار یک معماری، فرم و محتوای آن باید به صورت توأمان مورد بررسی قرار گیرد. هر چند طراحی به جنبه های کارکردی و فضای محیط مربوط به آن است. اما از عمل کرد های آن قابل تفکیک نیست. با اقتباس از تفکیک طراحان شهری میتوان اجزای تشکیل دهنده آن را

سه عامل، فضا و فرم دانست." از سوی دیگر ماهیت نیمه خصوصی - نیمه عمومی فضای باز مسکونی و ارتباط مستمر آن با زندگی افراد، موید اهمیت نگهداری و مدیریت آن است. از این رو ویژگی عملکردی فضایی و ومدیریتی به صورت توأمان در ارزیابی فضای باز موثر است(بحرینی، ۱۳۸۳).

## ۵-۶- ویژگی های کالبدی فضاهای شهری مناسب کودک

فضای کالبدی شهر سنتی ایران به عنوان تجلی گاه کالبدی باورها، عمل، اخلاق و رفتار انسان آن عصر، بر اساس انطباق با نیازهای مادی و معنوی انسان و شرایط محیط طبیعی طراحی و ساخته شده بود. از جمله ویژگی های بارز معماری و شهرسازی سنتی ایران که باعث تعامل بهینه کودک و فضای شهر سنتی می شد، می توان به موارد زیر اشاره نمود:

### الف. محله و هویت محله ای شهرها

شهر سنتی ایران در عین القای نظم، دارای بافتی بی نظم بوده است. بی نظم از آن جهت که از نظم اقتدارگرا در کلیه فضاها برخوردار نبود و به عناصر متنوع امکان ظهور می داد و منظم از این رو که ارتباط میان عناصر و نحوه استقرار آن ها را تعریف می کرد. بنابراین، محله و کوچه ها همواره، مکانی ایمن برای استفاده و بازی کودکان بوده است و در ساخت و نگه داری بخش هایی از این محله ها، کودکان نیز مشارکت مستقیم داشته اند. این امر باعث انگیزش اتحاد محله ای و احساس مالکیت ساکنان به ویژه کودکان می شد. کوچه و خیابان برای کودک سنتی صرفاً محل گذر و معبر نبود، بلکه جای مکث، تربیت و تجربه نیز بود.

### ب. ارتباط با طبیعت

شهر سنتی ایران با جهان بینی روان در پس کالبد، طبیعت را یکی از منابع مهم شناخت تلقی نموده و سعی در احترام به طبیعت از طریق همزیستی شهر با طبیعت داشته است. ارتباط ادراکی به ویژه رابطه بصری و احساسی با طبیعت مانند امکان رؤیت و احساس عناصر و مظاهر طبیعت مانند آسمان، طلوع و غروب خورشید، حرکت ابرها، ماه و ستارگان، رشد، شکوفایی، خزان، تغییر و تحول در گیاهان که حاکی از عظمت الهی و خلقت شگفت انگیز طبیعت بود، از جمله وسیله هایی برای ارتباط روانی انسان خصوصاً کودکان با طبیعت و یادآور وجود خداوند به عنوان منشأ هستی بوده است.

### ج. حضور کودکان در متن اجتماع

معماری سنتی ایران با وجود عدم تعریف فضای خاص ویژه برای کودکان، با عجز ساختن آموزش، کار، زندگی اجتماعی و مسائل فراغتی، محیط زندگی شهری را تلطیف می نمود. این آمیختگی موجب نشاط و سرزندگی محیط و افزایش تمایل حضور کودکان در آن می شد. از شواهد این سرزندگی، حضور فعال کودکان در مراسم مذهبی، مساجد و تکایا بود. علی رغم اینکه این فضاها در تناسب کامل با شرایط فیزیکی کودکان نبودند، ولی همواره به دلیل بافت فرهنگی- مذهبی آن دوران، محلی برای آموزش و تجربه کودکان به شمار می رفتند که این امر خود باعث ارتقای فرایند جامعه پذیری در کودکان می شد. کودکان می آموختند که چگونه و تحت چه شرایطی با دیگران ارتباط برقرار کنند تا بتوانند از مزایای زندگی اجتماعی و در میان دیگران زیستن بهره مند شوند.

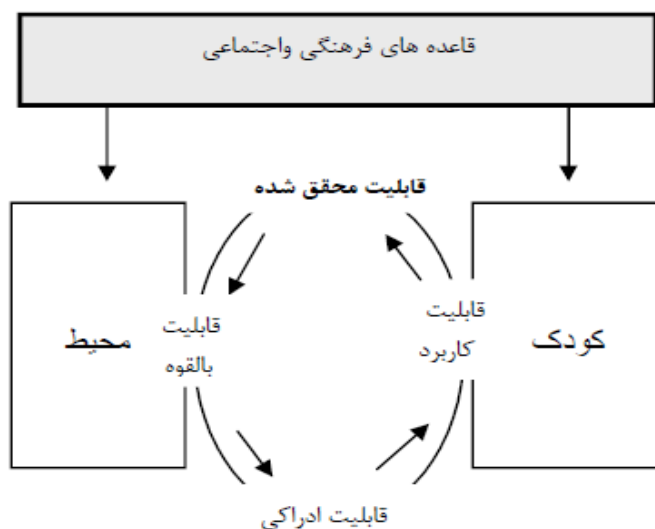
### د. تناسب با توانایی شناختی و ادراکی کودک

معماری و شهر سنتی ایران به دلیل داشتن ویژگی های نظیر ریتم، تکرار سلسله مراتب، تداوم- پیوستگی، تقارن- تعادل، مقیاس انسانی و کثرت در عین وحدت، طبق اصول گشتالت باعث سهولت در ادراک محیط می گردد. در مورد کودکان نیز این ترتیب تداوم و توالی موجود در معماری سنتی باعث سهولت انعکاس در ذهن کودک می گشت، چرا که کودکان، نه از استدلال ذهنی بلکه از تجارب عینی گذشته برای یافتن مسیر و تطابق خود با فضاها استفاده می کنند: کودک به مدد نشانه ها و همسانی صوری رنگ ها یا مصالح و یا نوعی رابطه با توالی معین در سیمای محیط به تعبیر اطلاعات، فائق می آید و قادر می شود موقعیت خود را درک نماید؛ چرا که این ویژگی ها ریشه در ناخودآگاه ذهنی کودک یا طرح واره های ذهنی اولیه وی دارد(محمودی نژاد و صادقی، ۱۳۸۹).

مفهوم روانشناختی قابلیت<sup>۱</sup> محیط که توسط جیمز جی گیبسون<sup>۲</sup> ابداع شده است به پیکره بندی کالبدی یک شیء یا یک مکان رفتاری دلالت می کند که برای فعالیت های ویژه قابل استفاده می سازد. گیبسون معتقد است که آموزش طراحی بیشتر شکل ها و ترکیب های شکلی فضا را مورد توجه قرار می دهد، در حالی که برای افراد قابلیت‌های فضا مهم هستند. بر اساس این مفهوم، قابلیت های محیط ساخته شده، انتخاب های رفتاری و زیباشناختی فرد را بسته به چگونگی پیکره بندی محیط محدود می کند یا گسترش می دهد. بر اساس این مفهوم، قابلیت های محیط ساخته شده، انتخاب‌های رفتاری و زیباشناختی فرد را بسته به چگونگی پیکره بندی محیط محدود می کند یا گسترش می دهد. قابلیت های محیط برای هر فرد و نیز هر گروه و طبقه اجتماعی نظیر کودکان متفاوت است. مفهوم قابلیت، برای تجزیه و تحلیل ارتباط بین محیط بوستان های شهری و بروز ادراکات و رفتارهای خلاقه در کودکان مفید است. روانشناسی به نام گرینو سطوح متفاوت قابلیت های محیط را در چهار طبقه شامل قابلیت بالقوه، قابلیت ادراکی، قابلیت کاربرد و قابلیت محقق شده دسته بندی کرده است.

در حالی که بخشی از قابلیت های محیط جنبه فیزیکی و فیزیولوژیکی دارند، بخشی دیگر از قابلیت ها تحت تاثیر عامل های فرهنگی و اجتماعی هستند. برای مثال بالا رفتن از درخت برای بیشتر کودکان قابل ادراک و جذاب است، اما بزرگسالان می توانند به دلیل خطرهای احتمالی، کودک را از این کار باز دارند و یا به منظور تقویت جسارت و شجاعت کودک، وی را به این کار تشویق کنند (مطلبی، ۱۳۸۰).

به این ترتیب همان طور که در نمودار<sup>۳</sup> دیده می شود می توان قابلیت های محیط را در خدمت بروز استعدادهای بالقوه کودک از جمله رشد خلاقیت قرار داد.



نمودار شماره ۳: انواع قابلیت های محیط برای کودکان، منبع: (Kytta, 2002)

## ۵-۷- خلاقیت و برنامه ریزی شهری

ادموند بیکن<sup>۳</sup> یکی از شهرسازان و معماران معاصر معتقد است یکی از هدف های اصلی معماری، تعالی بخشیدن به واقعه زیستن است. بنابراین محیط های شهری باید فضاهای متمایز برای فعالیت های متفاوت فراهم آورد و آنها را به نحوی به هم پیوند دهد که محتوای عاطفی آن کنش و حیات آدمی را در آن فضا تقویت کند. (مظفر و همکاران، ۱۳۸۵). روانشناسان معتقدند بسیاری از مسایل رشد همه جانبه کودکان (از جمله پرورش خلاقیت) با ایجاد فضاهای باز عمومی در بطن شهر و فضاهای در نظر گرفته شده برای فعالیت های روزمره که متناسب با شرایط فیزیکی و روانی کودکان باشد، تا حد زیادی قابل تعدیل است (Pia & O'brien, 2003). چرا که فضاهای باز شهر به عنوان واسطه بسیار مهم ارتباطات کودکان با جهان خارج، نقش اساسی در احساس هویت بخشی به کودکان، رشد و پیشرفت ذهنی، جسمی و روانی آنها و نسز شکل گیری مناسب شخصیت فردی و اجتماعی آنها ایفا می کند. کارکرد فضای باز شهرها، زمینه ای موثر و کارآمد در فرایند ارتقای و تجارب ذهنی

<sup>1</sup> Affordance

<sup>2</sup> James J. Gibson

<sup>3</sup> Edmund Beiken

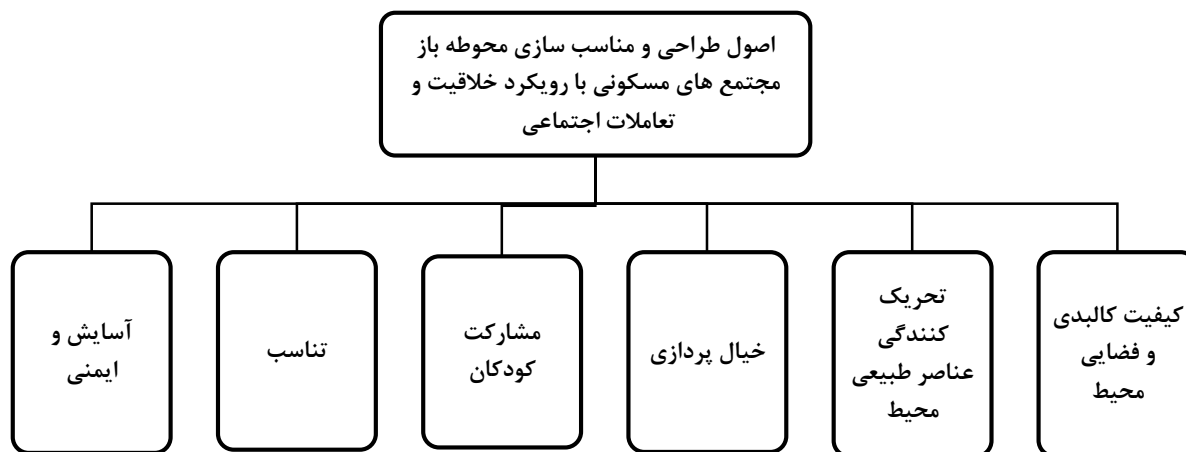


کودکان، فراهم آوردن امکان بازی و فعالیت هایی در راستای شکل گیری شخصیت کودکان و افزایش توانایی های ذهنی و جسمی آنهاست. همچنین این فضاها، محلی برای ملاقات، یادگیری و تحقیق و آشنایی با قابلیت های محیط پیرامون و یک محیط رفتاری و صحنه ای برای انجام فعالیت های گوناگون و ارضای حس کنجکاوی کودکان است (Abu-Ghazze, 1998).

طراحی فضای باز شهرها می تواند در راستای کمک به کودکان برای شناخت مفاهیم، اندازه ها، روابط و ... از طریق ارتباط بین آموخته های پیشین و تجارب فعلی باشد. همه این عوامل از طریق ارتباط معنادار بین دانش ذهنی کودکان با تجارب آنها، منجر به ایجاد ساختار معنادار یادگیری، در ذهن کودک خواهد شد که خود لازمه شناخت و بروز خلاقیت است. کودکان در چنین محیطی به تدریج سیستمی از اطلاعات و معلومات را بر پایه آموخته های پیشین خود سازمان می دهند که مبنای پایه دانسته های آتی کودک و سازماندهی یک کتابخانه ذهنی را شکل می دهد (Moore, 1990). لذا فضاهای باز شهری به عنوان محیط آموزشی و یادگیری برای دوران کودکی گستره ای اط شناخت ها و فعالیت های مورد نیاز رشد کودک را در بردارد که خود از پیش نیاز های بروز انسانهای خلاق است. کودکان با حضور در این فضاها در مورد طبیعت می آموزند، از طریق فعالیت های متنوع فیزیکی، قادر به شناخت محدودیت ها و قابلیت های بدنی خود می شوند و با آگاهی از مهارت ها و قابلیت های شخصی خود احساس اعتماد به نفس و عزت نفس پیدا می کنند (Abu-Ghazze, 1998). که در مجموع کل محیط (کالبدی و اجتماعی) باعث ارضای اهداف آموزشی از قبیل انگیزش، کسب تجارب و مهارت ها و بسترپرورش خلاقیت می شود. مشارکت کودکان در تصمیم گیری های مدیریت شهری نیز به افزایش خلاقیت آنها کمک می کند. بهتر است که این کار با مشارکت کودکان و نوجوانان در برنامه های دولت و جامعه محلی شروع شود تا به تنظیم دستور کار برای پیشرفت جامعه کمک کند (کیانی و اسماعیل زاده کواکی، ۱۳۹۱).

## ۶- متغیر های پژوهش

اصول طراحی و مناسب سازی محوطه باز مجتمع های مسکونی با رویکرد خلاقیت و تعاملات اجتماعی به شرح زیر است



نمودار شماره ۴: متغیر های خلاقیت کودکان در فضای باز مجتمع های مسکونی

### ۶-۱- کیفیت کالبدی و فضایی محیط

با شناخت خصوصیات کودکان از یکسو و محیط پیرامونشان از سوی دیگر که تعیین کننده نحوه تعامل آنها با محیط است، میتوان به تصویری قابل قبول از تأثیرات محیطی و مکان زندگی آنها دست یافت. در گونه محیطی مولفه های کالبدی نظیر قابلیت های متعدد مکان و حضور طبیعت تعامل را افزایش می دهند. شاید دلیل این باشد که در گونه محیطی به دلیل در معرض دید بودن، خوانایی، در دسترس بودن فضای باز حیاط مرکزی و ایجاد فضاهای خلوت و متروکه کمتر، در انتخاب مکانهای مطلوب تاثیر مولفه های غیرکالبدی نظیر امنیت به حداقل میرسد. به

عبارت دیگر در گونه محیطی به دلیل ارضای خواستها و نیازهای روانی کودکان (نظیر حس امنیت و امکان برقراری تعاملات اجتماعی با گروه همسالان) در مرحله اول، مسائل کالبدی در اولویت انتخاب کودکان قرار می‌گیرند (ضرغامی، ۱۳۸۷).

### ۶-۲- تحریک‌کنندگی عناصر طبیعی محیط

تحقیق حاضر نشان داد که می‌توان با استفاده از عناصر طبیعی مانند آب، نور، گیاه و مانند آن در فضای آموزشی کودکان، کنجکاوی و انگیزش کودک برای خیال‌پردازی و بازی را افزایش داد. مثلاً استفاده از شیشه‌های رنگی (که منجر به تولید رنگ‌های مختلف طیف نور میگردد) ممکن است کنجکاوی کودک را تحریک کند. در این حالت وجوه نور که یک عامل طبیعی است محرک کودک را ارتقا بخشد. در این حالت آب که عاملی طبیعی است محرک کودک است. از این رو ویژگی مذکور تحریک‌کنندگی عناصر نامیده می‌شود (لنگ، ۱۳۸۱).

### ۶-۳- مشارکت کودک

مشارکت کودکان در روند زندگی، به درک چگونگی عملکرد مکانهای زندگی روزمره وابسته است. نحوه مشارکت اجتماعی کودکان در اساس با رشد شناخت از خود، رشد هویت اجتماعی و حق شهروندی ارتباط مستقیم دارد. این عامل با میزان مشارکت کودک (در قالب بازی) برای هرگونه تغییر در فضا مانند همکاری در کاشت گیاهان نقاشی روی دیوار و همکاری در تغییر مبلمان فضا مرتبط است. مثلاً ممکن است کودک در قالب بازی با کمک مربی چیدمان کلاس را جا به جا کند. در این حالت هم تغییر لازم در فضا ایجاد شده است و هم کودک آن تغییر را ایجاد نموده است. بنابراین منظور از «بازی\_مشارکت» تنها سرگرمی نیست بلکه مشارکت هدفمند کودک در قالب بازی کردن مورد نظر است. ارتباطی قوی میان پرورش، رشد و مشارکت کودکان با وضعیت مکان زندگی وجود دارد؛ بنابراین کودکان به محیط انسان ساخت منسجم و قابل فهم‌تری نیاز دارند. از آنجایی که فضاهای مسکونی نقش مهمی در زندگی روزمره کودکان ایفا می‌کنند، به توجه بیشتری نیاز دارند. بنابراین نباید با برنامه‌ریزی یا سیاست‌های کلی و تنها به این دلیل که به نظر می‌رسد کودکان می‌توانند با وضع موجود کنار بیایند، نسبت به نیازهای آنها بی‌اعتنا بود (شریعتمداری، ۱۳۹۳).

### ۶-۴- آسایش و ایمنی

به دنبال دگرگونی شهرها و همچنین در پی افزایش جمعیت و روند رو به رشد انبوه‌سازی، متأسفانه کودکان و نیازهایشان مد نظر واقع نگردید. در پی اینگونه تخریب کالبدی شهرها و از همگسیختگی بافتهای تاریخی، کودکان همان مکانهای گذشته را نیز از دست دادند و مجبور به عقب نشینی در درون خانه‌ها شدند.

این مسئله بدینجا نیز خاتمه نیافت و به دنبال تبدیل خانه‌های خصوصی به مجتمع‌های مسکونی فضای امن حیاط نیز از بین رفت. امروزه محیط‌های شهری چنانچه دارای طراحی خوبی نیز باشند، کودکان و شرایط آنان را اینطور به نظر می‌رسد که در نظر نگرفته‌اند، به گونه‌ای که ترس و وحشت از فضای شهری خصوصاً خیابانها و برداشت آنها از محیط زندگی شهری شان را می‌توان به وضوح در نقاشی‌های آنها مشاهده نمود. ترس و واهمه‌ای که دامن گیر والدین آنها نیز شده است تا جایی که ترجیح می‌دهند کودکان خود را در خانه محبوس نموده و یا خود آنها را همراهی نمایند که این عامل نیز دارای پیامدهای منفی می‌باشد. این عمل علاوه بر وابستگی همیشگی کودک به والدینش، او را از تعاملات زندگی اجتماعی بازداشته و مکان برخورد با واقعیت‌ها و تجربیات را از او سلب می‌نماید. امروزه با نگاهی عمیق به محله‌های مسکونی جدید در می‌یابیم که دیگر این محله‌ها نیز جایگاه توقف، تامل یا بازی کودکان نمی‌باشند بلکه تبدیل به مسیری پر رفت و آمد شده‌اند که امنیت کودکان در آن به خطر می‌افتد در صورتی که این فضاها دارای اهمیتی ویژه هستند زیرا این فضاها اولین مکانی می‌باشند که به کودکان امکان ارتباط مناسب با دنیای خارج را می‌دهند و در سنین بالاتر واسطه تماس آنها با شهر خواهند شد (پهلوان زاده و سهرابی، ۱۳۸۵). بنابراین، امنیت و ایمنی برای کودکان در فضاهای محلی از اهمیت به سزایی برخوردار است و کودکان نیاز دارند تا در محیطی به دور از خطرات ناشی از محیط به فعالیت بپردازند. مفهوم امنیت و ایمنی تنها شامل رفت و آمد وسایط نقلیه یا برخورد با افراد نامناسب نمی‌شود، بلکه مواردی از جمله ایمن بودن فضا از نظر بهداشتی و آلودگیهای محیطی، دید و منظر، خشونت زا بودن، راه رفتن و مواردی از این دست را نیز در بر می‌گیرد.

وجود چشم اندازهایی به مناظر طبیعی به کودک آرامش روانی می‌دهد. بر اساس تئوری تجدید توجه به حرکت ملایم، آهسته و تدریجی پدیده‌های طبیعی آشنا برای کودک مثل حرکت و تغییر شکل ابرها، تکان خوردن چمن و علف، صدا و حرکت قطرات آب، ریزش دانه‌های برف، همگی به دلیل آنکه به تلاش خود آگاهی چندانی احتیاج ندارند، باعث برطرف شدن خستگی روانی کودک می‌شوند(قائمی، ۱۳۸۹). با توجه به اینکه رفتار کودک در فضای باز بسیار متغیر و سیال است، بایستی بتواند به سهولت و بدون گم شدن، در فضا حرکت کرده و ضمن کشف زوایای ناپیدای محیط، از محدوده محله نیز خارج نشود؛ بنابراین سهولت دسترسی به فضاهای مورد نظر کودک، به منظور آسایش و آرامش وی، دارای اهمیت می‌باشد. همچنین طراحی فضاهای محله به صورتی نفوذناپذیر و با مسیرهای طولانی خسته کننده، ممکن است کودک را از سیر در فضاهای محله منصرف نماید. بنابراین کودکان نیازمند تداوم، تمرکز، آرامش و عدم عجله در حضور، عبور و درک فضاها هستند تا بهترین توان خود را به کار گیرند. همچنین کودک به فضاهایی نیازمند است که بتواند کار در حال انجام خود را به حالت ناتمام رها کرده و روز بعد آن را به سهولت و سرعت از سرگیرد(شفایی و مدنی، ۱۳۸۹).

#### ۶-۵- خیال پردازی

مرتبط با انگیزش کودک برای خیال پردازی در شرایط مختلف است.

#### ۶-۶- تناسب

تناسب، رابطه میان ابعاد مختلف فضا مستقل از اندازه می‌باشد.

#### ۷- یافته‌های تحقیق

همان‌طور که در قسمت میانی نظری تحقیق ذکر شد، شاخص‌ها موثر در ارتقاء خلاقیت آسایش و امنیت، تحریک کنندگی عناصر طبیعی محیط، خیال پردازی، تناسب، مشارکت کودکان و کیفیت کالبدی و فضایی محیط به عنوان معی‌رهایی برای طراحی و مناسب سازی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی از منظر ادراکی کودکان در این چنین محیط‌ها در پرسشنامه در نظر گرفته شد.

جدول شماره ۲: رابطه مناسب سازی فضای باز مجتمع‌های مسکونی با شاخص‌ها و متغیرهای پژوهش از منظر ارتقاء خلاقیت کودکان

تحلیل همبستگی					
مدل تحلیلی	ضریب‌های استاندارد نشده		ضریب‌های استاندارد شده	مقدار t	سطح معنی داری
	مقدار B	انحراف معیار	مقدار Beta		
آسایش و امنیت	۰,۰۸۱	۰,۱۷۰	۰,۱۱۵	۱,۹۵۲	۰,۰۴۲
تحریک کنندگی عناصر طبیعی محیط	۰,۲۶۱	۰,۲۱۶	۰,۲۸۷	۲,۰۰۸	۰,۰۳۵
خیال پردازی	۰,۱۱۵	۰,۲۷۰	۰,۰۸۵	۱,۸۷۲	۰,۰۴۵
تناسب	۰,۳۵۲	۰,۳۲۶	۰,۴۰۷	۱,۰۷۹	۰,۲۸۷
کیفیت کالبدی و فضایی محیط	۰,۵۸۷	۰,۱۰۹	۰,۶۵۱	۳,۲۴۵	۰,۰۰۰
مشارکت کودکان	۰,۱۵۲	۰,۲۶۲	۰,۱۲۱	۰,۵۸۰	۰,۰۲۳

با توجه به روند پژوهش، روش همبستگی به عنوان متدولوژی در تحلیل‌های آماری این تحقیق استفاده شد. تحقیق همبستگی یکی از روش‌های تحقیق توصیفی (غیرآزمایشی) است که رابطه میان متغیرها را براساس هدف تحقیق بررسی می‌کند. می‌توان تحقیقات همبستگی را

براساس هدف به سه دسته تقسیم کرد: همبستگی برای بررسی نوع و میزان رابطه متغیرها استفاده می‌شود. ضریب همبستگی شاخصی است ریاضی که جهت و مقدار رابطه ی بین دو متغیر را توصیف می‌کند. ضریب همبستگی درمورد توزیع های دویا چند متغیره به کار می رود. اگر مقادیر دو متغیر شبیه هم تغییر کند یعنی با کم یا زیاد شدن یکی دیگری هم کم یا زیاد شود به گونه‌ای که بتوان رابطه آنها را به صورت یک معادله بیان کرد گوییم بین این دو متغیره همبستگی وجود دارد (حبیبی، ۱۳۹۱).

همان‌طور که در جدول (۲) مشخص است بر اساس میزان P-Value از شاخص‌ها که بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد تنها بین چهار عامل آسایش و امنیت، تحریک کنندگی عناصر طبیعی محیط، خیال پردازی و کیفیت کالبدی و فضایی محیط در طراحی و مناسب سازی فضاهای باز مجتمع های مسکونی با درک کودکان رابطه معناداری وجود دارد و هیچ رابطه‌ای بین تناسب و خصوصیات کیفی فضای باز مجتمع های مسکونی در ارتقاء خلاقیت و تعاملات اجتماعی وجود ندارد.

همان‌طور که مشخص است شاخص کیفیت کالبدی و فضایی محیط با ضریب استاندارد شده  $\beta$  ۰/۶۵۱ بیشترین تأثیر را در کیفی کردن فضای باز مجتمع های مسکونی در راستای خلاقیت از منظر کودکان دارا می‌باشد. این امر بیانگر این حقیقت است که، کیفیت کالبدی و فضایی محیط و توجه به کالبد موثرترین عامل ارتقاء خلاقیت و تعاملات اجتماعی در فاهای باز مجتمع های مسکونی می باشد.

شاخص و متغیر تحریک کنندگی عناصر طبیعی محیط نیز به‌عنوان فاکتور درجه دوم با ضریب  $\beta$  ۰/۲۸۷، در رشد و افزایش خلاقیت و تعاملات اجتماعی کودکان در چنین فضاهایی دخیل بوده است. با توجه به مقدار ضریب همبستگی این عامل و اهمیت عناصر طبیعی محیط در طراحی و مناسب سازی فاهای باز مجتمع های مسکونی در فراهم آوردن فرصت هرچه بیشتری برای کودکان به منظور ارتقاء خلاقیت و تعاملات اجتماعی، این عامل بسیار ضعیف می‌باشد و می‌توان به صراحت اعلام کرد که در حیطه طراحی مجتمع های مسکونی دقت نظر هر چه بیشتر این دو شاخص مهم ضروری است و کمتر به آن توجه شده است.

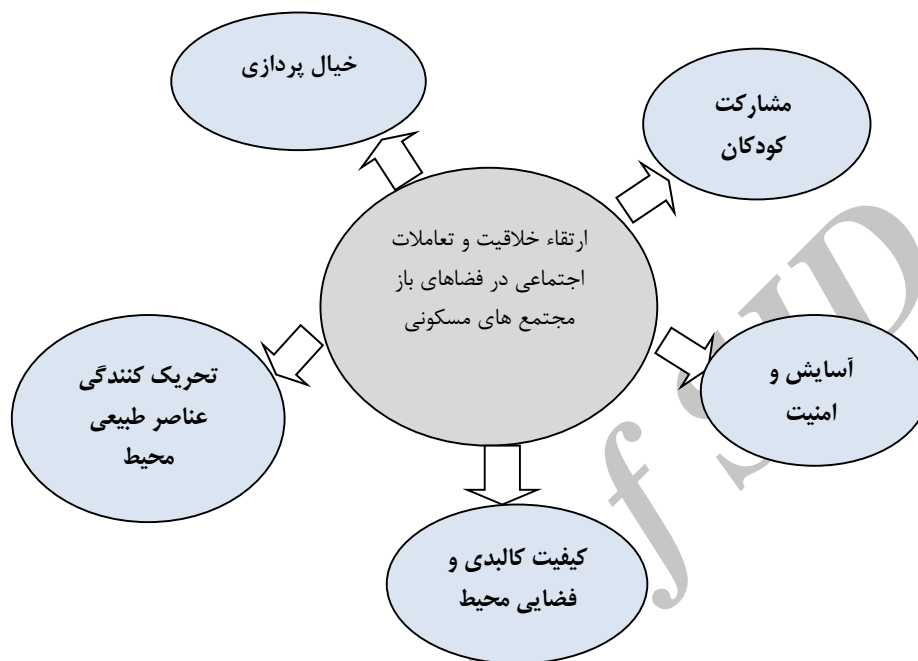
شاخص و مولفه تأثیر گذار دیگر در راستای ارتقاء خلاقیت و تعاملات اجتماعی کودکان با توجه به نتایج حاصله، مشارکت کودکان بوده است. ارتباطی قوی میان پرورش، رشد و مشارکت کودکان با وضعیت مکان زندگی وجود دارد؛ بنابراین کودکان به محیط انسان ساخت منسجم و قابل فهم‌تری نیاز دارند.

کودکانی که به‌عنوان نمونه این پژوهش انتخاب شدند تشخیص دادند که چهارمین عامل موثر بر بالا بردن کیفیت خلاقیت در نوع طراحی فضاهای باز مجتمع های مسکونی، آسایش و امنیت موجود در این گونه فضاهای باز مجتمع های مسکونی است. این امر به‌نوعی بدیهی و منطقی به‌نظر می‌رسد، چراکه آسایش و امنیت عاملی است که حضور را در این نوع فضاها بیشتر می‌کند و برای درک کیفی فضای پیرامونی ضروری می‌باشد. با این وجود علیرغم معنادار بودن رابطه آن با درک کیفی از فضاهای باز مسکونی ضریب همبستگی آن بسیار پایین بوده و ۰/۱۱۵ می‌باشد و این نشانگر عدم سازگاری وضعیت مناسب سازی فضاهای باز مسکونی در راستای ارتقاء خلاقیت و تعاملات اجتماعی می باشد. شاخص خیال‌پردازی به‌عنوان آخرین عاملی که با ارتقاء خلاقیت کودکان و تعاملات اجتماعی کودکان در فضاهای باز مسکونی در ارتباط است، می باشد. این عامل در عین حال ضعیف‌ترین عامل مؤثر نیز شناخته شد. ضریب همبستگی رگرسیونی این عامل ۰/۰۸۵ می‌باشد که بیانگر این است که نسبت به شاخص‌ها و متغیرهای دیگر در مراتب بعد تر قرار دارد و البته خود این عامل تأثیر بسزایی در ارتقاء خلاقیت کودکان دارد و لازم است در طراحی‌ها به این متغیر و شاخص نیز توجه شود.

## نتیجه‌گیری

بر مبنای استدلال منطقی و تحلیل نظریه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت مطرح می‌توان استنتاج نمود که امروزه فضاهای باز مجتمع های مسکونی بعنوان بخش مهمی از فضاهای بازی در شهرها می‌توانند در برآورده ساختن نیازهای روزمره شهروندان و به ویژه کودکان نقش مهمی داشته باشند و ارتقا کیفیت آنها می‌تواند زمینه ساز رشد تعامل های اجتماعی کودکان و حتی کمک به پرورش استعدادها و بروز خلاقیت های آنان باشند. نظر به آنکه براساس نظریات روانشناسی، تعامل کودک با محیط همواره یکی از مهمترین عامل های رشد استعدادهای جسمی، ذهنی، روانی و اجتماعی وی محسوب می‌شود، بدیهی است با مهیا کردن امکانات لازم، محیط به وجود آمده رشد کودک را تسهیل خواهد کرد. همچنین با توجه به ماهیت کم و بیش اکتسابی خلاقیت و نقش مهم محیط کالبدی و اجتماعی در بروز و رشد خلاقیت می‌توان انتظار داشت آماده سازی بوستان های شهری برای حضور و تعامل فعال کودکان بنواند در بروز خلاقیت آنان موثر باشد. برخی از اصول طراحی که بایستی در فرایند طراحی،

برپایی و بهره برداری فضاهای باز مجتمع های مسکونی مورد توجه قرار گیرند به شرح زیر هستند و در یک نگاه کلی می توان مهم ترین عوامل مؤثر بر طراحی و مناسب سازی فضاهای باز مجتمع های مسکونی بر افزایش خلاقیت و تعاملات اجتماعی را به صورت نمودار شکل (۵) توصیف کرد:



نمودار شماره (۵): عوامل مؤثر بر طراحی و مناسب سازی فضاهای باز مجتمع های مسکونی بر افزایش خلاقیت و تعاملات اجتماعی

امروزه افزایش جمعیت کودکان در ایران سبب توجه به مساله کیفیت طراحی فضاهای آموزشی برای آنان شده است. ادبیات تحقیق بیانگر آن است که بازی کودک از جمله بازی با آب شن و مانند آن در ارتقا خلاقیت او مؤثر است. برخی تحقیقات نیز نشان می دهند که مشارکت کودک در کارهای گروهی به رشد خلاقیت او می انجامد. همچنین بررسی ها نشان می دهد وجود گیاهان در فضای داخلی موجب ارتقا خلاقیت افراد است. آنچه در تحقیق حاضر به عنوان موضوعی نو مورد بحث و تاکید قرار گرفته این است که بازی و مشارکت گروهی کودک نه فقط در قالب برنامه های آموزشی بلکه به وسیله اجزا و عناصر معماری در سامانه های کالبدی و عملکردی امکان پذیر است. نیز صرف به کارگیری عناصر طبیعی کافی نیست و این عناصر با دارا بودن ویژگی تغییرپذیری میتوانند در ایجاد تنوع در فضای آموزشی و ارتقا خلاقیت کودک مؤثر باشند.

## مراجع

- ۱- آقایی فیشانی، تیمور، "خلاقیت و نوآوری در انسانها و سازمان ها، تهران، ترمه، ۱۳۷۷
- ۲- بهروزفر، فریبرز، ۱۳۸۰، " مبانی طراحی فضاهای باز مسکونی در تناسب با شرایط جسمی و روانی کودکان"، انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
- ۳- بحرینی، سید حسین، ۱۳۸۳، تحلیل فضای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده کنندگان و ضوابطی برای طراحی، تهران، دانشگاه تهران.
- ۴- پهلوان زاده، لیلا و نارسیس سهرابی ۱۳۸۵ "جایگاه کودک در فضای شهری امروز"، ماهنامه بین المللی راه و ساختمان، سال چهارم، شماره ۰۷، دی ماه.

- ۵- پیرنه لنگرودی، آسیه، ۱۳۷۴، بررسی نحوه بکارگیری گردش علمی در استان گیلان و عوامل مؤثر بر آن، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان گیلان.
- ۶- ریاحی، غلامحسین (۱۳۷۰)؛ رمز راز دنیای کودک؛ چاپاول؛ تهران: نشر اشراقیه.
- ۷- شفاپی، مینو و رامین مدنی ۱۳۸۹ "اصول طراحی فضاهای آموزشی کودکان بر اساس مدل خلاقیت"، نشریه علمی پژوهشی آموزش، تهران، سال چهارم، جلد چهارم، شماره ۰، بهار.
- ۸- شریعتمداری، علی (۱۳۹۳)؛ روان شناسی تربیتی، انتشارات امیر کبیر، تهران. صص ۵۵۲.
- ۹- شکرکن، حسین؛ برومند نسب، مسعود؛ نجاریان، بهمن؛ و شهنی ییلاق، منیجه، "بررسی رابطه ساده و چندگانه خلاقیت، انگیزه پیشرفت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز"، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دوره سوم، سال نهم، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۱.
- ۱۰- کیانی، اکبر و اسماعیل زاده کواکی، علی، (۱۳۹۱). "تحلیل و برنامه ریزی "شهر دوستدار کودک" (CFC) از دیدگاه کودکان (مورد مطالعه: قوچان). مجله باغ منظر، شماره ۹ (۲۰): صص ۶۲-۵۱.
- ۱۱- عینی فر، علیرضا؛ قاضی زاده، سیده ندا؛ ۱۳۸۹، گونه شناسی مجتمع های مسکونی تهران با معیار فضای باز، نشریه ی آرمانشهر، ۵: ۴۶-۳۵.
- ۱۲- عظمتی، حمیدرضا (۱۳۸۶) "اصول طراحی پارکهای شهری مبتنی بر ارتقاء خلاقیت کودکان" رساله دکترا، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران
- ۱۳- ضرغامی، اسماعیل، ۱۳۸۷، اصول پایداری مجتمع های مسکونی رساله ی دکتری معماری، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۱۴- قائمی، پریسا؛ ۱۳۸۹ "فضاهای محرک خلاقیت کودکان: اهمیت طراحی محیط برای بازی و کاوش در طبیعت"، نشریه جستارهای شهرسازی، سال نهم، شماره ۰۴، زمستان.
- ۱۵- لنگ، جان، ۱۳۸۱، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، مترجم: عینی فر، علیرضا، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۶- محمودی نژاد، هادی؛ صادقی، علیرضا، ۱۳۸۹، از روانشناسی محیطی تا رفاه اجتماعی، تهران، نشر طحان.
- ۱۷- مظفر، فرهنگ. عظمتی، حمیدرضا و باقری، محمد. (۱۳۸۵)، "طراحی بوستان های شهری و رشد خلاقیت کودکان"، مجله فناوری و آموزش، شماره ۱. تهران.
- ۱۸- مطلبی، قاسم، ۱۳۸۰، روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری، نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، ۵۲-۶۷.
- ۱۹- ملکی، صفی الله، ۱۳۸۵، "نقش امور تربیتی در غنی سازی اوقات فراغت دانش آموزان"، روزنامه رسالت، شماره ۱۴، ۶۰، ۲۸ ابان ماه، ص ۱۵.
- ۲۰- مهدوی نژاد غلامحسین، مهدوی نژاد محمد جواد، سیلواویه، سونیا، "تاثیر محیط هنری بر خلاقیت دانش آموزان"، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال دوازدهم، شماره ۴۸، صص ۱۴۰-۱۲۷، ۱۳۹۲.
- ۲۱- نوذری، شعله (۱۳۸۳): "رهنمودهای طراحی فضای باز مسکونی" صفه، ۳۹: ۶۴-۴۵.

24. Furnham, A & Bachtiar, V, Personality and intelligence as predictors of creativity, Personality and Individual differences, 45, 613-617, 2008.

25. Ferry, Susan, T. (2003) "Creativity Assessment" at: <http://www.acsu.buffalo.edu/~stferry>,

22. Abu-Ghazzeh, T. (1998). Children 's use of street as playground in ABU-NAS-EIR, JORDAN. Environment and behavior, (30) 799-831.

23. Balke E. (1997) "play and the arts: the importance of the "unimportant"". childhood Education, vol. 73, NO6

27. Moore, R.C (1990), Childhood's domain: play and place in child development, CA: MIG communication, Berkely

28. Pia, Christensen & Margaret O 'brien (2003); Children in the city, home, neighborhood and community; Routledgefalmer

26. Kyttä., m., Affordances of Childrens Environments In The Context of Cities, Small Towns, Suburbs And Rural Villages In Finland And Belarus. *Environmental Psychology*, 22, 109-123. (2002)
29. Trevas Efthimios, Matsouka Ourania, Zachopoulou Evridiki (2003), "Relationship between playfulness and motor creativity in preschool children", Routledge, part of the Taylor & Francis Group, *Early Child Development and Care*, Vol 173, No 5
30. Zheng, Wei, The impact of organizational culture, structure, and strategy on knowledge management effectiveness and organizational effectiveness, University of Minnesota, 2005.

Archive of SID